



# مرکز جهانی علوم اسلامی

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

بایان نامه کارشناسی ارشد

رشته فقه و معارف اسلامی

عنوان:

## جایگاه و محدوده عقل

### در اندیشه مولانا

استاد راهنما:

حجت الاسلام دکتر احمد حسین شریفی

استاد مشاور:

حجت الاسلام دکتر حسن یوسفیان

دانش پژوه:

عزیزالله حسن زاده

سال ۱۳۸۴

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی

شماره ثبت: ۳۹۹

تاریخ ثبت:



## اهداء

اهداء به روح پدر بزرگوارم که نیم قرن عمر شریفش را در خدمت  
دانشجویان و دانش پژوهان خطه باستان هرات سپری نمود و مادر  
عزیزم که دعوت الهی را لبیک گفت و من در کنارش نبودم.

## تقدیر و تشکر

از زحمت کشی و همکاری دو فاضل فرزانه جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر احمد حسین شریفی «استاد راهنما» و جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن یوسفیان «استاد مشاور» نهایت امتنان و تشکر را دارم.

لوح سیمینش در کنار نهاد  
جور استاد به ز مهر بدر<sup>(۱)</sup>

پادشاهی پسر به مکتب داد  
بر سر لوح او نبشته به زر

## چکیده تحقیق

این تحقیق چهار فصل دارد که در فصل اول، معنای عقل از دیدگاه مولانا و غزالی بررسی شده است که در مجموع مولانا عقل را به پنج معنا می‌داند که عبارت می‌شوند از:

عقل غریزی، عقل تجربی، عقل به معنای علوم ضروری، عقل عملی، عقل سلیم، که با روایات معصومین (ع) نیز مطابقت دارد.

فصل دوم «ارزش و جایگاه عقل» از نگاه مولانا بررسی شده است که در ابتدایه بحث شناخت اشاره شده و شناخت و منابع آن را از دیدگاه مولانا بررسی کردیم که ایشان به معرفت حسی و عقلی در جایگاه خودش اهمیت زیادی می‌دهد و عقل را به عنوان چراغ و نور معرفی می‌کند که این تعبیر از گزاره‌های دینی نیز استفاده می‌شود. منظور مولانا از این عقل همان عقل سلیم است که به آن ارزش فوق العاده می‌دهد و آن را نردبان ترقی و کمال انسان می‌داند.

فصل سوم پیرامین قلمرو عقل بحث شده است در این که مولانا محدوده عقل و دایره کاربرد آن را تا چه حد می‌داند؟

نتیجه بدست آمده از این بحث آنست که مولانا عقل را به دو گونه تقسیم می‌کند: عقل کلی که آن را می‌ستاید و از آن به زیر مجموعه عالم هستی تعبیر می‌کند و انبیا (ع) را عقل کل می‌خواند و ما در این جا با دقت تمام معنای عقل کل از دیدگاه مولانا را بررسی کرده که مقصود او از عقل کل، همان معیار، میزان و آهنگ هستی است که همه مخلوقات پروردگار به آن سنجیده می‌شوند و اگر از انبیا تعبیر به عقل کل می‌کنند به خاطر این است که آنها هماهنگی بیش تری با عقل کل دارند یا پرتو و نمودی از عقل کل هستند.





قسم دیگر، عقل جزئی است که مولانا آن را در حیات انسان لازم و ناکافی می‌داند تا این که هماهنگ با عقل عملی بشود و نیز عناوین دیگری به بحث گذارده شده است.

فصل چهارم پیرامون آسیب‌شناسی عقل است که مولانا هوی، حرص، طمع، وهم و خیال و... را متضاد با عقل می‌داند.

## فهرست مطالب

۱	مولانا کیست؟
۲	دوره انقلاب و آشفته‌گی
۲	پیشینه و ضرورت تحقیق
۴	فرصیه‌ها
۵	هدف‌ها
۵	جنبه جدید بودن و نوآوری تحقیق
۶	تنگناها
۶	روش گردآوری اطلاعات
۶	سازماندهی تحقیق
۷	<b>فصل اول: معناشناسی عقل</b>
۸	عقل
۸	مفهوم لغوی عقل
۸	مفهوم اصطلاحی عقل
۹	عقل عملی و عقل نظری
۱۱	بررسی معنای عقل از دیدگاه غزالی و مولانا
۱۱	معنای عقل از دیدگاه غزالی
۱۴	معنای عقل از دیدگاه مولانا
۱۸	عقل سلیم
۱۹	عقل سلیم در روایات
۲۱	<b>فصل دوم: جایگاه عقل</b>
۲۲	شناخت

۲۲	منابع شناخت
۲۳	منابع شناخت از دیدگاه مولانا
۲۳	مولانا و شناخت حسی
۲۴	محدودیت حواس
۲۶	هماهنگی حواس ظاهری با حواس باطنی
۲۶	درک وجدانی
۲۷	نور علی نور
۲۸	مولانا و شناخت عقلی
۲۸	عقل چراغ ماجراها
۳۱	عقل از دیدگاه حکیم ترمذی
۳۲	معنای لغوی لب
۳۳	لب در قرآن
۳۳	معنای لب از دیدگاه شهید مطهری
۳۴	لب از نگاه مولانا
۳۵	تکامل عقل
۳۷	عقل تعدیل کننده شخصیت
۳۷	عقل معلم حقایق
۳۸	زبان سخنگوی عقل
۳۸	مولانا و ژرف اندیشی
۴۱	مولانا و جهان اندیشه
۴۴	تو همان اندیشه‌ای
۴۵	جهاد اکبر جهاد اندیشه است
۴۶	فکر و ذکر مکمل یکدیگر



۴۷	تعاون عقول
۴۸	فلسفه مشورت
۴۹	شرایط مشورت
۵۰	تفاوت عقول
۵۱	تفاوت عقول از دیدگاه غزالی:
۵۳	اختلاف عقول از دیدگاه مولانا
۵۵	عقل و جان از نگاه مولانا
۵۷	رابطه عقل و روح
۵۷	عقل راهنمای روح
۵۹	عقل و جان محض تجلی وحی
۵۹	عقل و جان مجرای تکامل
۶۰	دل
۶۰	لطف شیر و انگبین عکس دل است
۶۱	معنای دل
۶۱	دل از دیدگاه مولانا
۶۲	هم آهنگی عقل و دل از دیدگاه مولانا
۶۴	علم
۶۴	خاتم ملک سلیمان است علم
۶۷	چکیده مطالب:
۶۸	<b>فصل سوم: قلمرو عقل</b>
۶۹	عقل کل
۶۹	تعریف عقل کل
۶۹	عقل کل از دیدگاه مولانا!

۷۱	معنای عقل کل از نگاه مولانا
۷۳	معنای عقل کل در مجالس سبعة
۷۵	قلمرو عقل کل
۷۸	عقل جزئی
۷۸	تعریف عقل جزئی
۷۸	عقل جزئی از نگاه مولانا
۷۹	قلمرو عقل جزئی محدود است
۸۰	عقل جزئی خطاپذیر است
۸۱	عقل جزئی ظاهر بین است
۸۲	عقل جزئی عقل استخراج نیست
۸۴	عقل سر تیزست لیکن پای سست
۸۵	رابطه عقل جزئی با عقل کل
۸۵	عقل جزئی یرتو عقل کل
۸۷	ضرورت ارتباط عقل جزئی با عقل کل
۸۸	عقل جزئی با عقل کل یکی می شود
۸۹	ضرورت عقل جزئی از نگاه مولانا
۹۱	امتیاز معرفت شهودی از معرفت عقلی
۹۲	دیدگاه شهید مطهری
۹۳	دلایل امتیاز معرفت شهودی از دیدگاه استاد جوادی
۹۳	ره آورد سیرانفسی حضوری بودن علم است
۹۴	زوال ناپذیری علم حضوری
۹۴	علم حضوری سودمندترین معرفت است
۹۵	بی نیاز شدن معرفت شهودی از معرفت عقلی

۹۷	ارزش استدلال از دیدگاه مولانا
۹۷	دیدگاه مرحوم حمایی
۹۸	دیدگاه علامه جعفری
۱۰۰	دیدگاه شهید مطهری
۱۰۱	دیدگاه مولانا
۱۰۶	تصور خدا
۱۰۷	مولانا و تصور خدا
۱۰۹	ممنوعیت تفکر در ذات خداوند
۱۱۰	عقل و حیرت
۱۱۱	عقل و دین
۱۱۲	احکام عقلی
۱۱۲	احکام فراعقلی
۱۱۳	عقل و قضا از دیدگاه مولانا
۱۱۴	عقل و قضا در روایات معصومین علیهم السلام
۱۱۵	عشق
۱۱۶	عشق از نظر عرفاء
۱۱۷	عقل و عشق از دیدگاه مولانا
۱۱۷	عقل بستر عشق می شود
۱۱۸	عشق شناخت عقلی را توسعه می دهد
۱۱۹	عشق عقل را کامل می کند
۱۱۹	تعارض عقل و عشق
۱۲۱	مولانا و فیلسوفان
۱۲۳	چکیده مطالب

۱۲۵	فصل چهارم: آسیب‌شناسی عقل
۱۲۶	آسیب‌شناسی عقل از نگاه مولانا
۱۲۶	هوا
۱۲۸	انسان مرکب از شهوت و عقل است
۱۳۰	هر چه شهوانی است بندد چشم و گوش
۱۳۱	تقوا منجی عقل
۱۳۱	حرص
۱۳۳	طمع
۱۳۳	چار میخ عقل گشته این چهار
۱۳۵	وهم و خیال
۱۳۵	شیطان
۱۳۵	همنشین نامناسب
۱۳۵	جوامع عقب افتاده
۱۳۶	زینت‌های ظاهری
۱۳۶	چکیده مطالب
۱۳۷	مجموعه تحقیق
۱۳۹	فهرست منابع

## حاصل عمرم سه سخن بیش نیست

### خام بودم پخته شدم سوختم

#### مولانا کیست؟

نام او به اتفاق تذکره نویسان محمد و لقب او جلال الدین است و لقب خداوندگار هم به او می دادند و بعد از گذشت زمان به لقب مولوی شهرت یافته است.

مولانا در ششم ربیع الاول سنه ۶۰۴ هـ ق، در شهر بلخ متولد شد پدر او محمد بن حسین خطیبی است، که به بهاء الدین ولد معروف شده و او را سلطان العلماء هم لقب داده اند، که از افاضل روزگار و علامه زمان خود بوده است.<sup>(۱)</sup>

مولانا پنج سال داشت که به همراهی پدر از بلخ به حج عزیمت کرد و از آن جا در قونیه رحل اقامت افگند، مولانا بیست و چهار سال داشت که پدرش درگذشت و او به جای پدر نشست و بساط و عظ و افادت بگسترده و مشغول فتوی و تدریس شد، و یک سال تمام مفتی شریعت بود، تا برهان الدین محقق ترمذی از سادات حسینی که در مکاشفات و عرفان به مقام عالی نایل آمده بود و از شاگردان صاحب فضل پدرش بود، از بلاد خراسان بدو پیوست.

سید زمانی که مولانا را به انواع علوم آزمود و در علوم رسمی سرآمد زمانش یافت او

۱- فروزانفر، ربیع زمان، احوال و زندگانی مولانا، تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۱۵ ش، صص ۲- ۵.



را تشویق و تحسین بلیغ کرد و در ستایش مولانا گفت:

«در جمیع علوم دینی و یقینی از پدر به صد مرتبه و در جه گذشته‌ای؛ اما پدر بزرگوارت را هم علم قال به کمال بود و هم علم حال به تمام داشت. می‌خواهم که در علم حال سلوکها کنی و آن معنی که از حضرت شیخم به من رسیده است، آن را نیز هم از من حاصل کنی تا در همه حال ظاهراً و باطناً وارث پدر باشی و عین او گردی»<sup>(۱)</sup>

مولانا پیشنهاد سید را پذیرفت، و در طریق تربیت او قرار گرفت و مدت نه سال از علم و معارف او بهره برد، چنان که گفته‌اند در اثر تربیت او کاملاً نور شده بود.<sup>(۲)</sup> بعد از آنکه برهان الدین محقق از دنیا رفت مولانا دوباره بر مسند ارشاد و تدریس متمکن شد و قریب پنج سال (۶۳۸-۶۴۲ هـ ق) به روش پدر و اجدادش به تدریس فقه و علوم دینی پرداخت و حدود ۴۰۰ طالب علم در محضر درس او حاضر می‌شدند و به رسم فقهاء و زاهدان آن زمان مجلس وعظ برگزار می‌کرد، و مردم را به خدا دعوت می‌کرد و از خدا می‌ترساند.<sup>(۳)</sup>

### دوره انقلاب و آشفته‌گی

بامداد روز شنبه بیست و ششم جمادی الآخر، سال ۶۴۲ هـ ق، شمس الدین تبریزی وارد قونیه شد و با مولانا ملاقات کرد.<sup>(۴)</sup> این دیدار سبب شد که تحول روحی فوق‌العاده در مولانا ایجاد شود و از حوادث بزرگ تاریخ بشریت به شمار آید. بعد از این اتفاق آثار ارزنده‌ای از مولانا تقدیم جامعه انسانی شد که از هفتصد سال قبل تا الآن آب زلال اندیشه او فکر و روح آدمیان را سیراب می‌کند:

۲- همان.

۱- همان، صص ۲۲-۴۱.

۴- همان، ص ۶۰.

۳- همان، صص ۴۲-۵۱.

هین بگو کہ ناطقہ جو می کند

تا بہ قرنی بعد ما آب رسد

گرچہ ہر قرنی سخن آری بود

لیک گفت سالفان یاری بود<sup>(۱)</sup>

دربارہ شخصیت و آثار مولانا اظہار نظرہای تفریطی و افراطی زیاد شدہ؛ بعضی او را در حد یک عارف و متصوف معمولی تنزل دادہ اند، و عدہ ای او را مصون از خطا و اشتباہ دانستہ و گفتہ ہایش را خالی از لغزش قلمداد نمودہ اند.

تعریف انسانہای بزرگ از افراد معمولی ساختہ نیست و آنان را باید از آثارشان شناخت. بہ گفتہ سعدی:

ای مرغ سحر عشق ز پروانہ بیاموز

کان سوختہ را جان شد و آواز نیامد

این مدعیان در طلبش بی خبرانند

آن را کہ خبر شد خبری باز نیامد<sup>(۲)</sup>

ولی انصاف آنست کہ بگوییم:

مولانا نہ تنها یک عارف بزرگ است، بلکہ دانا، حکیم و مربی ہمہ انسانہای روی

زمین است، و افتخار و شاگرد خوب جہان اسلام است، ولی گفتہ ہایش مصون از خطا

ہم نیست. و خود او ہم ادعای عصمت نکرده؛ چنان کہ می گوید:

ہر کہ گوید جمنہ حقند احمقی است

ہر کہ گوید جملہ باطل او شقی است<sup>(۳)</sup>

از مولانا شش اثر باقی مانده کہ بخشی منثور و بخشی منظوم است کہ عبارت می شود:

۱- مثنوی معنوی.

۲- دیوان شمس.

۳- فیہ ما فیہ.

۴- رباعیات.

۱- مثنوی معنوی، دفتر سوم، بیت ۲۵۳۸، ۳۵۳۷.

۲- گلستان، نشرات پیام محراب، چ اول، ۱۳۷۰ش، ص ۳۱.

۳- مثنوی معنوی، دفتر دوم، بیت ۲۹۴۲.

۵- مجالس سبعه.

۶- مکتوبات.

### پیشینه و ضرورت تحقیق

هر چند کارهای تحقیقی در آثار مولانا بخصوص مثنوی معنوی در شرق و غرب انجام شده، ولی تحقیق موضوعی در خور توجه - تا جایی که بنده اطلاع دارم - صورت نگرفته است. از کسانی که به این مسئله توجه کرده، مرحوم علامه محمد تقی جعفری در خلال شرح مثنوی معنوی است ایشان پیرامون بعضی مطالب و از جمله «عقل و عاقل و معقول» بحثی موضوعی داشته‌اند که جزوه کوچکی به نام «عقل در مثنوی» از آن استخراج شده و به چاپ رسیده است.

این جزوه اولاً از زاویه مثنوی بحث شده و به آثار دیگر مولانا توجه نشده است. ثانیاً بیشتر از جنبه‌های علوم انسانی به مسئله پرداخته‌اند.

درین تحقیق به جمیع آثار مولانا پیرامون مسئله توجه شده و سعی تمام بر آن بوده که ابتدا نظر مولانا درباره موضوع روشن و شفاف شود، بعد مورد نقد و بررسی قرار بگیرد.

### فرضیه‌ها

- ۱- از نظر مولانا عقل دارای مراتب و معانی متعدد است، یکی از این معانی عبارت از عقل سلیم است، که به آن ارزش فوق العاده‌ای می‌دهد و آن را چراغ حیات بشری معرفی می‌کند و هم‌رتبه با دل و جان می‌داند.
- ۲- برای شناخت عقل در حوزه خودش اهمیت زیادی قائل است و به عقلانیت و خردورزی تأکید فراوانی دارد.

- ۳- مرتبه عالیہ عقل را عبارت از عقل کل می داند که آن را میزان و زیرمجموعه عالم هستی معرفی می کند و محدوده آن را بسیار وسیع می داند.
- ۴- عقل جزیی را برای کسب علوم و معارف لازم، ولی ناکافی می داند و قلمرو آن را محدود می انگارد.
- ۵- معرفت شهودی را بر معرفت عقلی ترجیح می دهد ولی فعالیت عقل نظری را لازم می شمرد.

### هدف‌ها

مولانا پیرامون اندیشه و تعقل مطالب با ارزشی دارد که بسیاری از نیازهای فکری جامعه و اندیشمندان را مرتفع می سازد. در عین حال گاهی در گفته‌های او از عقل و استدلال نکوهش شده به گونه‌ای که در ابتدا انسان گمان می کند ایشان مخالف تعقل و استدلال است، مانند این بیت مثنوی که مشهور است:

پای استدلالیان چوین بود      پای چوین سخت بی تمکین بود

اگر این نوع مسایل نقد و بررسی نشود، بدآموزی‌های برای جامعه خواهد داشت. لذا تصمیم گرفتم مطالبی را پیرامون عقل و استدلال و مسائل مرتبط با آن از آثار مولانا استخراج کنم تا مقصودش نقد و بررسی شود.

### جنبه جدید بودن و نوآوری تحقیق

- ۱- در این تحقیق ابتدا گفته‌های مولانا پیرامون مسئله از آثارش استخراج شده، بعد مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته است. و اگر در بعضی از ابیاتش ابهامی وجود داشته، توسط گفته‌های دیگرش که صراحت به مطلب داشته تفسیر شده است.

۲- معانی، جایگاه، قلمرو، و آسیب‌شناسی عقل از دیدگاه عارف رومی تا حد مطلوب مورد بررسی قرار گرفته است.

۳- مطالب مولانا با نظریات دانشمندان و محققان مقایسه شده و از ویژگی‌های منحصر آن مقایسه با دیدگاه شهید مطهری است، که بیشترین استفاده را از آثار ایشان و علامه محمد تقی جعفری برده‌ایم.

۴- در حد توان کوشیده‌ایم، در تایید گفته‌های مولانا حدیثی از معصومین علیهم‌السلام، یا قرآن کریم بیاوریم.

#### تنگناها

نداشتن الگویی مناسب و عدم وجود منابع مستقل درباره مسئله تحقیق؛ اطلاعات مورد بحث به صورت پراکنده در منابع تحقیقی وجود داشته است.

#### روش گردآوری اطلاعات

کتابخانه‌ای بوده است. ابتدا تمام نظریات مولانا پیرامون مسئله مطالعه و از آثار او استخراج شده و فیش‌نویسی گردید بعد مورد تحقیق و تحلیل قرار گرفته و در موضوعات متنوع مورد بحث قرار گرفته است.

#### سازماندهی تحقیق

این تحقیق متشکل از چهار فصل با عناوین زیر است:

۱- معنانشناسی عقل از دیدگاه مولانا.

۲- جایگاه و کاربرد عقل از دیدگاه مولانا.

۳- قلمرو و محدوده عقل از دیدگاه مولانا.

۴- آسیب‌شناسی عقل از دیدگاه مولانا.



# فصل اول

معناشناسی عقل

## عقل

### الف - مفهوم لغوی عقل:

عقل، نقیض جهل است.<sup>(۱)</sup> زاغب در تعریف آن چنین می‌گوید: «العقل يقال للقوة المتهيئة لقبول العلم و يقال للعلم الذي يستفیده الانسان بتلك القوة عقل<sup>(۲)</sup>؛ یعنی عقل به آن نیرویی گفته می‌شود که قبول علم می‌کند، و نیز به آن علم که از این نیرو استفاده می‌شود».

### ب - مفهوم اصطلاحی عقل:

مفهوم عقل و تعقل از مفاهیمی است که میان فلاسفه، روانشناسان و ادیبان تعریف واحدی ندارد، و از آن تعریفات متفاوت شده<sup>(۳)</sup> که بعضی عبارت اند از:

- ۱- عقل نیرویی است که مواد خام محسوسات را جمع آوری نموده آن‌ها را هماهنگ می‌سازد.
- ۲- عقل تشکیلات مخصوص اعصاب دماغی است که بر درک شده‌های حسی حاکم بوده و آن‌ها را منظم می‌نماید.

۳- عقل نیرویی است که کلیات را درک می‌کند.

---

۱- الفراهیدی، خلیل بن احمد، العین، انتشارات اسوه، ۱۴۹۴ هـ.ق، ج ۲، ص ۱۲۵۳.

۲- المفردات، ص ۳۴۱.

۳- جعفری، محمدتقی، وجدان، انتشارات تهذیب، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش، ص ۲۲۵.